

بررسی حقوقی تاثیر اصلاحات قوانین مالیاتی بر کاهش میزان فرار مالیاتی در ایران

یاسمن نیکنام^۱، آیدا مخترع^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

^۲ استادیار، عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

با توجه به نقش حیاتی مالیات‌ها در تأمین منابع مالی دولت‌ها و تأثیر آن بر توسعه پایدار اقتصادی، نظام‌های مالیاتی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، فرار مالیاتی است. این پدیده به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، به دلیل ضعف‌های ساختاری و پیچیدگی‌های نظام مالیاتی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر منابع درآمدی دولت‌ها و به تبع آن، بر روند توسعه اقتصادی دارد. فرار مالیاتی نه تنها موجب کاهش درآمدهای دولتی می‌شود، بلکه منجر به نابرابری در نظام مالیاتی و اختلال در عدالت اجتماعی می‌گردد. از این‌رو، اتخاذ تدابیر و اصلاحات مؤثر در قوانین مالیاتی برای کاهش این پدیده و افزایش کارایی نظام مالیاتی از ضرورت‌های حیاتی به شمار می‌آید. در سال‌های اخیر، ایران نیز به منظور کاهش میزان فرار مالیاتی و اصلاح نظام مالیاتی، اقداماتی را در قالب اصلاحات قانونی و تغییرات ساختاری در نظر گرفته است. این پژوهش به تحلیل و بررسی تأثیر این اصلاحات بر کاهش فرار مالیاتی در ایران می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی و تحلیل ابزارهای قانونی جدید و چالش‌های موجود در این زمینه، به‌ویژه در حوزه اطلاعات تراکنش‌های بانکی، است. در این مقاله به بررسی تأثیر این اصلاحات بر کاهش فرار مالیاتی در ایران می‌پردازد و هدف آن تحلیل و ارزیابی ابزارهای قانونی جدید و چالش‌های موجود در این حوزه است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بهره‌گیری از اطلاعات تراکنش‌های بانکی و استفاده از داده‌های مالی حاصل از نظام بانکی می‌تواند نقش کلیدی در شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی ایفا کند. تجربیات کشورهای پیشرفته حاکی از آن است که این شیوه نه تنها درآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهد، بلکه با کشف منابع پنهان درآمدی و جلوگیری از تقلب‌های مالیاتی، به تقویت عدالت مالیاتی کمک می‌کند. با این وجود، در ایران، عدم وجود قانون مشخص برای مالیات بر تراکنش‌های بانکی و همچنین محدودیت‌های قانونی در دسترسی به اطلاعات بانکی، موجب شده است که این ابزارها نتوانند به‌طور مؤثر در کاهش فرار مالیاتی ایفای نقش کنند.

کلیدواژه: فرار مالیاتی، نظام مالیاتی ایران، بهبود کارایی اصلاحات

مقدمه

فرار مالیاتی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های نظام مالیاتی در ایران به شمار می‌آید که نه تنها به کاهش درآمدهای دولت منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز گسترش نابرابری اقتصادی، افزایش بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای مالیاتی و کاهش اثربخشی سیاست‌های اقتصادی می‌گردد (نعمتی، ۱۴۰۳، ص ۲۳). این پدیده، در بستر خلأهای قانونی، ضعف نظارت، و عدم اجرای مؤثر مقررات شکل می‌گیرد و با بهره‌گیری برخی مؤدیان از راه‌های گریز مالیاتی، عملاً بار مالیاتی را به شکل ناعادلانه‌ای بر دوش فعالان اقتصادی شفاف می‌گذارد (شریفی، ۱۴۰۲، ص ۴۸). در سال‌های اخیر، اصلاحات گسترده‌ای در ساختار و محتوای قوانین مالیاتی کشور با هدف مقابله با این معضل طراحی و اجرا شده است. این اصلاحات، بر ابعاد مختلفی چون افزایش شفافیت مالی، تشدید ضمانت‌های اجرایی، توسعه سامانه‌های هوشمند نظارتی و اعمال مشوق‌های مالیاتی تمرکز داشته‌اند (کاظمی، ۱۴۰۱، ص ۵۷؛ رضایی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۲). از جمله مهم‌ترین تحولات در این زمینه، تصویب و اجرای «قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان» در سال ۱۳۹۸ است که با هدف نظارت دقیق بر جریان‌های مالی، ثبت تراکنش‌ها و شناسایی درآمدهای واقعی مؤدیان مالیاتی تدوین شد (رستمی، ۱۴۰۲). همچنین، تغییرات صورت‌گرفته در ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، گامی اساسی در جهت الزام نهادهای مرتبط، همچون بانک مرکزی و سازمان ثبت اسناد، به ارائه اطلاعات مالی به سازمان امور مالیاتی محسوب می‌شود (رجبی، ۱۴۰۲، ص ۷۸). در کنار این اقدامات، سیاست‌هایی همچون کاهش نرخ مالیاتی برای مؤدیان خوش‌حساب، اعطای تسهیلات به بنگاه‌های متعهد و توسعه سامانه‌های الکترونیکی، زمینه‌ساز افزایش تمکین مالیاتی و کاهش انگیزه برای پنهان‌کاری مالیاتی بوده‌اند (کاظمی، ۱۴۰۲، ص ۶۲).

از منظر حقوقی، یکی از مهم‌ترین گام‌های اصلاحی، جرم‌انگاری برخی از مصادیق فرار مالیاتی در قالب ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم است که مجازات‌هایی نظیر حبس، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی را برای متخلفان در نظر گرفته است (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۴۵). این ماده قانونی، فرار مالیاتی را در مواردی در حکم جرم اقتصادی تلقی کرده و به این ترتیب، مبارزه با آن را از سطح اداری به سطح کیفری ارتقاء داده است (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۹۵). با این حال، مطالعات متعدد نشان می‌دهند که اجرای این ضمانت‌ها با مشکلاتی از جمله دشواری اثبات سوءنیت، فرآیندهای قضایی طولانی و ضعف هماهنگی میان سازمان امور مالیاتی و قوه قضائیه مواجه است (محمدی، ۱۴۰۲، ص ۸۹). همین عوامل موجب شده تا بازدارندگی واقعی این مقررات، در برخی موارد، با تردید مواجه شود. از سوی دیگر، در حوزه حقوق خصوصی، اصلاح مقررات ناظر بر شفافیت قراردادهای تجاری، الزامات ثبت دقیق تراکنش‌های مالی و تقویت نظارت بر نقل و انتقالات پولی، به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه‌ای جهت محدود ساختن ظرفیت‌های سوءاستفاده مالیاتی در نظر گرفته شده‌اند (نعمتی، ۱۴۰۲، ص ۳۵). این اصلاحات، همراه با الزامات جدید برای افشای اطلاعات مالی و تنظیم شفاف‌تر اسناد تجاری، ابزارهای مؤثری برای مقابله با حساب‌سازی‌های صوری و بهره‌برداری از خلأهای قانونی فراهم کرده‌اند (محمدی، ۱۴۰۲، ص ۹۳).

با وجود این پیشرفت‌ها، همچنان چالش‌هایی جدی در مسیر تحقق اهداف این اصلاحات باقی است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم اجرای کامل برخی مقررات، نبود وحدت رویه در تفسیر قوانین، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی، محرمانگی اطلاعات بانکی و همچنین تعارض منافع میان نهادهای مختلف اشاره کرد (شریفی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۰؛ رضایی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۹). این مسائل نشان‌دهنده آن است که اصلاحات حقوقی، هرچند در مسیر درستی قرار دارند، اما بدون تقویت ضمانت‌های اجرایی، هماهنگی بین‌نهادی و ارتقای آگاهی عمومی از پیامدهای حقوقی فرار مالیاتی، نمی‌توانند به طور کامل اثربخش باشند (موسوی، ۱۴۰۱).

ص ۲۵).

بر این اساس، مقاله حاضر با هدف بررسی حقوقی تأثیر اصلاحات قوانین مالیاتی بر کاهش میزان فرار مالیاتی در ایران، بر آن است تا ضمن تحلیل تطبیقی مقررات جدید، نقاط ضعف و قوت اجرایی آنها را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود سازوکارهای قانونی ارائه دهد. دستیابی به یک نظام مالیاتی عادلانه، شفاف و کارآمد، در گرو استمرار این اصلاحات، ارتقاء ابزارهای نظارتی، و هم‌افزایی بیشتر میان نظام مالیاتی و دستگاه‌های حقوقی و قضایی کشور خواهد بود (محمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۱).

تعریف مفهوم فرار مالیاتی

فرار مالیاتی به معنای هرگونه تلاش عمدی و غیرقانونی برای پرداخت نکردن یا پرداخت کمتر از میزان واقعی مالیات است. فرار مالیاتی یکی از چالش‌های جدی در نظام مالیاتی کشورها، به‌ویژه ایران، به‌شمار می‌رود که تأثیرات منفی گسترده‌ای بر عدالت اقتصادی، کارآمدی دولت و اعتماد عمومی دارد. این پدیده رفتاری غیرقانونی و عمدی است که در آن مؤدیان با هدف فرار از پرداخت مالیات، اقدام به پنهان‌سازی درآمدها، ارائه اطلاعات نادرست در اظهارنامه‌های مالیاتی، یا استفاده از اسناد و مدارک جعلی می‌کنند (عمادی، ۱۳۹۵، ص ۲۳). در ایران، چنین اعمالی مطابق ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم، جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی از جمله جریمه نقدی، حبس و محرومیت از حقوق اجتماعی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است (توکلی، ۱۳۹۴، ص ۴۸).

افراد و شرکت‌ها از روش‌های متعددی برای فرار مالیاتی استفاده می‌کنند. از جمله رایج‌ترین این روش‌ها می‌توان به پنهان‌کردن بخشی از درآمد یا دارایی‌ها، تنظیم اظهارنامه‌های مالیاتی ناقص یا گمراه‌کننده، استفاده از اسناد و فاکتورهای صوری، عدم ثبت معاملات، و نگهداری حساب‌های بانکی خارجی اشاره کرد (عمادی، ۱۳۹۵، ص ۳۱). این اقدامات موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش فشار بر مؤدیان قانون‌مند، و گسترش نابرابری اقتصادی می‌شود (توکلی، ۱۳۹۴، ص ۵۲). همچنین، وجود این رفتارها موجب تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت قانون و کارآمدی دولت در اداره امور اقتصادی می‌شود (زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

فرار مالیاتی پیامدهای مخربی برای نظام مالی کشور دارد. کاهش منابع درآمدی دولت در نتیجه فرار مالیاتی، موجب محدودیت در ارائه خدمات عمومی همچون بهداشت، آموزش و زیرساخت‌ها می‌شود. همچنین، بی‌عدالتی در پرداخت مالیات باعث می‌شود مؤدیان که درآمدهای خود را به‌طور شفاف اعلام می‌کنند، بار مالیاتی بیشتری را نسبت به فراریان متحمل شوند، که این مسئله به تضعیف انگیزه تمکین داوطلبانه مالیاتی می‌انجامد (توکلی، ۱۳۹۴، ص ۶۰). افزون بر این، فرار مالیاتی می‌تواند بستر مناسبی برای فساد اقتصادی، پول‌شویی و گسترش اقتصاد زیرزمینی فراهم کند که در نهایت موجب تهدید ثبات اقتصادی و سیاسی کشور خواهد شد (عمادی، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

در راستای مقابله با این پدیده، دولت ایران اقدام به اصلاح و تقویت قوانین مالیاتی کرده است. اجرای سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی از جمله اقدامات مهم در افزایش شفافیت مالی، رصد دقیق تراکنش‌های اقتصادی و جلوگیری از کتمان درآمدها بوده است (سپیدار سیستم، ۱۴۰۲). همچنین، اصلاحات قانونی اخیر در ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان برخورد کیفری با متخلفان را فراهم کرده است (توکلی، ۱۳۹۴، ص ۶۷). با این حال، اجرای مؤثر این قوانین نیازمند تقویت ضمانت‌های اجرایی، هماهنگی نهادی میان سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی و قوه قضائیه، و نیز ارتقای آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای حقوقی فرار

مالیاتی است (زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹، ص. ۷۹).

پیدایش فرار مالیاتی

زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی در ایران را می‌توان در مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، ساختاری و اجرایی جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، نبود یا ضعف فرهنگ مالیاتی در جامعه است. فرهنگ مالیاتی به مجموعه‌ای از طرز تلقی، نگرش، آگاهی عمومی و واکنش‌های افراد در قبال نظام مالیاتی گفته می‌شود که تحت تأثیر سطح تحصیلات، ارزش‌های اجتماعی، قوانین موجود و تجربه تاریخی افراد با نهادهای مالیاتی شکل می‌گیرد. وقتی این فرهنگ در جامعه نهادینه نشده باشد، افراد کمتر به وظایف مالیاتی خود پایبند خواهند بود. عامل مهم دیگر، فقدان نظام اطلاعاتی مؤثر و نارسایی در نظارت و پیگیری دریافت مالیات است؛ به‌گونه‌ای که نبود ارتباط و تبادل داده‌ها بین نهادهای مختلف موجب می‌شود مأموران مالیاتی نتوانند تصویر دقیقی از فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان به دست آورند. ضعف در شیوه تشخیص علی‌الرأس و ناکارآمدی در اجرای آن، موجب شده تا بسیاری از درآمدها و فعالیت‌های اقتصادی به‌درستی شناسایی نشوند و مؤدیان راه فرار مالیاتی را آسان‌تر ببینند. از دیگر زمینه‌های فرار مالیاتی، عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی است. بسیاری از مؤدیان به دلایلی همچون ضعف در به‌روزرسانی اطلاعات ثبت‌شده، یا به دلیل نبود ضمانت اجرای مؤثر و ضعف برخورد مأموران مالیاتی، اظهارنامه خود را ارسال نمی‌کنند. در بسیاری از موارد، نبود مهارت و آگاهی کافی مأموران مالیاتی نسبت به قوانین موجود نیز در افزایش این وضعیت مؤثر بوده است (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۲، ۶).

از سوی دیگر، تأخیر در وصول مالیات، عدم شناخت دقیق از مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آن‌ها نیز به عنوان موانعی در مسیر اجرای عادلانه و کامل نظام مالیاتی مطرح می‌شوند. یکی از چالش‌های جدی دیگر، اعطای معافیت‌های وسیع و متنوع مالیاتی است که گاه بدون بررسی دقیق و در نتیجه سیاست‌های حمایتی نسنجیده به گروه‌هایی تعلق می‌گیرد. این وضعیت نه تنها درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌شود فشار مالیاتی بیشتری به سایر گروه‌های فاقد معافیت تحمیل شود. در نهایت، این معافیت‌های گسترده و اجرای ضعیف آن‌ها، موجب ناکارآمدی و تضعیف نظام مالیاتی کشور می‌شود.

تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز میان فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، به تفاوت بنیادین در ماهیت قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی به معنای نقض صریح و عمدی قانون است که در آن فرد با پنهان‌سازی درآمد یا ارائه اطلاعات نادرست، از پرداخت مالیات طفره می‌رود. در این حالت، مؤدی تلاش می‌کند اطلاعات واقعی فعالیت‌های اقتصادی خود را از دید نهادهای مالیاتی پنهان کند. در مقابل، اجتناب مالیاتی به معنای استفاده از خلاها و فرصت‌های قانونی برای کاهش بدهی مالیاتی است، بدون آن‌که الزامی به پنهان‌کاری یا نگرانی از افشا وجود داشته باشد. در اجتناب مالیاتی، افراد ممکن است با تغییر نحوه ثبت درآمدها یا بهره‌برداری از معافیت‌ها و روش‌های حسابداری، به‌طور رسمی و قانونی مبلغ مالیات پرداختی خود را کاهش دهند. به عنوان نمونه، اگر فروشنده‌ای به جای گزارش نادرست از میزان فروش خود، با تغییر نوع فعالیت اقتصادی یا انتخاب ساختار مناسب کسب‌وکار، میزان مالیات خود را کاهش دهد، این اقدام در حوزه اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرد. بنابراین، در حالی که فرار مالیاتی رفتاری مجرمانه و قابل مجازات است، اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، هرچند ممکن است از نظر اخلاقی یا عدالت مالیاتی محل بحث

باشد. از این رو، نظام مالیاتی کارآمد باید بتواند علاوه بر مقابله با تخلفات آشکار، ظرفیت لازم برای شناسایی و کاهش فرصت‌های سوءاستفاده از خلأهای قانونی را نیز داشته باشد (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۲، ۶).

معیارهای فرار مالیاتی

برای شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان حقیقی، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعات پیشین و تحلیل محتوای آن‌ها، مجموعه‌ای از معیارها و زیرمعیارهای کلیدی را استخراج کرده است. نتایج پژوهش‌های متعددی مانند تحقیقات سوکرام و واتسون^۱ (۲۰۰۵)، ریچاردسون^۲ (۲۰۰۶)، و امین خاکی (۱۳۹۰) نشان داده‌اند که فرار مالیاتی تحت تأثیر عوامل متنوعی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته اصلی شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، قانونی و سیاسی طبقه‌بندی کرد. عواملی مانند نرخ بالای تورم، بیکاری، فاصله طبقاتی، دستورالعمل‌های پیچیده، فساد اداری، نبود اعتماد عمومی به دولت، ضعف در فرهنگ مالیاتی، و کم‌توجهی به اطلاع‌رسانی شفاف، به‌عنوان مهم‌ترین زیرمعیارهای هر یک از این چهار دسته شناخته شده‌اند. در پژوهش‌های پیشین نیز به‌ویژه تأکید شده است که معیارهای غیراقتصادی مانند عوامل اجتماعی و پیچیدگی قوانین، تأثیر چشمگیری بر فرار مالیاتی دارند.

از آنجا که پژوهش جعفری و همکاران (۱۴۰۳) نیز این دسته‌بندی را به‌صورت ساختاری ارائه داده‌اند، این پژوهش با استفاده از همان رویکرد و به کمک نرم‌افزار Choice Expert به تحلیل و اولویت‌بندی این عوامل پرداخته است. در ادامه، نمایی کلی از معیارها و زیرمعیارهای تأثیرگذار بر فرار مالیاتی در جدول ارائه می‌شود.

جدول ۱- معیارهای فرار مالیاتی

معیارهای فرار مالیاتی	
ضعف ساختاری	
بیکاری	معیار اقتصادی
پایین بودن درآمد مصرف‌کنندگان	
نرخ بالای تورم	
فاصله طبقاتی	
عدم اطلاع‌رسانی در نحوه هزینه کردن مالیات	معیار اجتماعی
پایین بودن سطح دانش مالی	
عدم ثبات و امنیت اجتماعی	
دستورالعمل‌های پیچیده	
ازدیاد راه فرار از قانون (فرار مالیاتی)	معیار قوانین
آیین‌نامه‌های غیرضروری	

¹ Sookram, & Watson

² Richardson

عدم برقراری ارتباط بین ممیز و مودی	
ناعادلانه بودن سیستم	
فساد دولت	
ضعف در شناسایی مؤدیان	
تحولات سیاسی	
سطح پایین اعتماد مردم به دولت	
نظارت و پیگیری و عدم استفاده از تکنولوژی در دریافت مالیات	معیار سیاسی
عدم وجود جرایم و تشویقات در دریافت مالیات	

این طبقه‌بندی به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا با شناخت دقیق‌تر از ریشه‌های فرار مالیاتی، سیاست‌گذاری مؤثرتری در راستای اصلاح نظام مالیاتی انجام دهند.

نظریه‌های اقتصادی و رویکردهای حقوقی مرتبط با فرار مالیاتی

نظریه‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط با فرار مالیاتی، ابعاد مختلف این پدیده را تحلیل می‌کنند. از منظر اقتصادی، نظریه مطلوبیت مورد انتظار معتقد است که افراد با مقایسه منافع حاصل از فرار مالیاتی و ریسک شناسایی و مجازات، تصمیم‌گیری می‌کنند؛ اما اقتصاد رفتاری نقش عواملی همچون اعتماد به دولت، عدالت مالیاتی، و هنجارهای اجتماعی را نیز در رفتار مالیاتی پررنگ می‌داند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴). از منظر حقوقی نیز، ضعف در قوانین بازدارنده، آیین‌نامه‌های غیرضروری و ازدیاد راه‌های فرار از قانون از جمله مواردی هستند که بستر قانونی لازم برای مقابله مؤثر با فرار مالیاتی را تضعیف می‌کنند (همان: ۱۵).

نظریه تمکین مالیاتی

تمکین مالیاتی یکی از اهداف اساسی هر نظام مالیاتی به شمار می‌رود و میزان آن، معیار مهمی برای سنجش کارایی نظام مالیاتی در کشورها محسوب می‌شود (طالب‌نیا، ۱۳۸۶: ۸۴). براساس دیدگاه براون و مازور (۲۰۰۳)، تمکین مالیاتی مفهومی نظری و چندبعدی است که شامل سه بعد اصلی تمکین در ثبت اطلاعات، تمکین در پرداخت و تمکین در گزارش‌دهی می‌شود. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ نیز مفهوم تمکین را به دو دسته‌ی تمکین اجرایی و تمکین فنی تقسیم کرده است؛ تمکین اجرایی به پیروی از قوانین اجرایی مربوط می‌شود، در حالی که تمکین فنی ناظر بر دقت در گزارش‌دهی، رعایت فرآیندهای قانونی و انجام محاسبات صحیح مالیاتی است. در نقطه مقابل، عدم تمکین مالیاتی قرار دارد که در دو قالب اصلی بروز می‌کند: اجتناب مالیاتی که نوعی عدم تمکین قانونی محسوب می‌شود و از طریق بهره‌گیری از خلأها و معافیت‌های قانونی صورت می‌گیرد، و فرار مالیاتی که عدم تمکین غیرقانونی است و شامل اقداماتی نظیر پنهان‌سازی درآمد، حساب‌سازی، رشوه‌دهی و تهدید مأموران مالیاتی می‌شود.

¹ Organization for Economic Co-operation and Development

(آقایی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). برای سنجش میزان عدم تمکین، از شاخصی به نام "شکاف مالیاتی" استفاده می‌شود که اختلاف بین مالیات بالقوه (در صورت تمکین کامل) و مالیات واقعی وصول شده را نشان می‌دهد.

رویکرد ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم

در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری فرار مالیاتی سابقه‌ای طولانی دارد که برای نخستین بار در ماده ۱۹ «قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد» مصوب ۱۳۳۷ مطرح شد و در آن برای مرتکبان فرار مالیاتی مجازات حبس در نظر گرفته شد. این رویکرد در قانون مالیات‌های مستقیم نیز ادامه یافت؛ به گونه‌ای که ماده ۲۰۱ قانون مصوب سال ۱۳۴۵، فرار مالیاتی را مستوجب حبس تأدیبی دانست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصلاحات بعدی نیز این روند را دنبال کردند و در اصلاحیه‌های مختلف، به ویژه اصلاحیه سال ۱۳۹۴، ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم با رویکردی نوین و شفاف‌تر به تبیین مصادیق جرم فرار مالیاتی پرداخت. مطابق ماده ۲۷۴، اقدامات مشخصی از قبیل کتمان فعالیت‌های اقتصادی و درآمدهای حاصل از آن، استناد به اسناد و مدارک خلاف واقع، انجام معاملات به نام دیگران، انعقاد قرارداد به نام افراد ثالث و همچنین استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر با هدف فرار از مالیات، به عنوان مصادیق بارز عنصر مادی جرم فرار مالیاتی شناخته شده‌اند. این ماده، با تعیین مجازات حبس تعزیری درجه شش، نشان‌دهنده جدی بودن سیاست کیفری قانون‌گذار در برخورد با فرار مالیاتی است و تلاش دارد با استفاده از ابزارهای کیفری، بازدارندگی مؤثرتری در قبال این پدیده ایجاد کند (دانش شهرکی، ۱۴۰۰: ۲۹).

جایگاه فرار مالیاتی در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، فرار مالیاتی یک جرم تلقی شده و قانون‌گذار با هدف مقابله با آن، مواد متعددی در قانون مالیات‌های مستقیم تصویب کرده است. بر اساس ماده ۲۷۴، اقداماتی نظیر کتمان درآمد، تنظیم اسناد خلاف واقع، ممانعت از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات، استفاده از کارت بازرگانی دیگران، و خودداری از تسلیم اظهارنامه برای سه سال متوالی، از مصادیق جرم مالیاتی محسوب شده و مرتکبان آن به مجازات‌های درجه شش از جمله حبس، جزای نقدی، شلاق، محرومیت از حقوق اجتماعی و انتشار حکم محکوم می‌شوند. همچنین ماده ۲۰۱ مقرر می‌دارد مؤدیانی که به قصد فرار از مالیات، اسناد و دفاتر خلاف واقع ارائه دهند یا برای سه سال متوالی از ارائه اظهارنامه خودداری کنند، از معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی محروم می‌شوند. طبق ماده ۲۷۵، اشخاص حقوقی مرتکب جرم نیز ممکن است به محرومیت از فعالیت شغلی یا صدور اسناد تجاری تا دو سال محکوم گردند. ماده ۲۰۲ به سازمان امور مالیاتی اجازه می‌دهد که از خروج بدهکاران مالیاتی جلوگیری کند و ماده ۱۹۹ نیز جریمه نقدی معادل ۲۰ درصد مالیات پرداخت‌نشده برای متخلفان در نظر گرفته است. این مجموعه مقررات بیانگر رویکرد سخت‌گیرانه قانون‌گذار در برخورد با فرار مالیاتی و تلاش برای تحقق عدالت اقتصادی است (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۶).

ماهیت جرم فرار مالیاتی

فرار مالیاتی، با توجه به تقسیم‌بندی جرایم به «جزایی» و «انتظامی»، در دسته جرایم جزایی قرار می‌گیرد و همچنین در تقسیم میان جرایم «جزایی» و «مدنی» نیز در زمره جرایم جزایی طبقه‌بندی می‌شود. جرایم جزایی آن دسته از افعالی هستند که

قانون‌گذار برای آن‌ها مجازات کیفری (کیفر) در نظر گرفته، در حالی که جرایم مدنی به اعمالی اطلاق می‌شود که سبب ورود زیان به دیگری شده و عامل آن موظف به جبران خسارت یا بازگرداندن مال می‌گردد. از سوی دیگر، جرایم انتظامی نقض مقررات خاص یک صنف یا گروه شغلی معین محسوب می‌شوند (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ص ۲۱۸-۲۱۳). اگرچه ارتکاب جرم فرار مالیاتی می‌تواند علاوه بر پیامدهای کیفری، مسئولیت مدنی نیز به دنبال داشته باشد (بند ۶ ماده ۲۷۴ لایحه تحول نظام مالیاتی). این جرم همچنین در زمره جرائم فاقد بزه‌دیده مستقیم یا انسانی قرار دارد؛ به این معنا که قربانی آن، فرد خاصی نیست، بلکه بزه‌دیده ممکن است یک شخصیت حقوقی، نظم عمومی، اخلاق عمومی یا یک ارزش اجتماعی و اقتصادی باشد (رهامی، ۱۳۸۶: ص ۲۰).

عناصر تشکیل‌دهنده جرم فرار مالیاتی

برای اینکه عملی از سوی یک فرد به عنوان جرم شناخته شود، وجود سه رکن اصلی ضروری است: عنصر قانونی، عنصر مادی، و عنصر روانی.

عنصر قانونی

در حوزه حقوق کیفری، قانونی بودن جرم یکی از اصول اساسی و اولیه به شمار می‌رود. از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جرم‌انگاری باید دارای ضوابط و ویژگی‌هایی باشد که مانع از استفاده ابزاری آن توسط دولت‌ها برای محدودسازی حقوق بشر شود. اصل قانونی بودن بدین معناست که هرگونه جرم‌انگاری باید مبتنی بر قانون داخلی کشورها باشد و این قانون داخلی باید شرایط و حدود اعمال محدودیت‌ها را به صراحت بیان کند. در ایران، قانونگذار در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴، دامنه جرم‌انگاری فرار مالیاتی را به طور قابل توجهی گسترش داد. پیش از این و طبق ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ (با اصلاحات بعدی)، تنها زمانی فرار مالیاتی جرم محسوب می‌شد که با بهره‌گیری از اسناد و مدارک خلاف واقع صورت گیرد؛ به عبارتی، در صورت نبود مدارک جعلی، چنین رفتاری صرفاً یک تخلف مالیاتی تلقی می‌گردید (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۵۹۴-۵۸۸). با این حال، ماده ۲۷۴ اصلاحیه ۱۳۹۴، مصادیق متنوع‌تری را در زمره جرایم مالیاتی برشمرده است. بر اساس این ماده، اقدامات زیر جرم مالیاتی شناخته شده و مرتکبان آن به مجازات‌های درجه شش محکوم می‌گردند:

۱. تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع و استناد به آن‌ها
 ۲. پنهان‌سازی فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن
 ۳. جلوگیری از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات مالی و اقتصادی خود یا اشخاص ثالث و امتناع از انجام تکالیف قانونی مانند ارسال اطلاعات موضوع مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر
 ۴. قصور در انجام وظایف قانونی مرتبط با کسر یا وصول مالیات دیگر مؤدیان و عدم واریز آن در مهلت قانونی
 ۵. انعقاد معاملات و قراردادهای نام دیگران یا برعکس، برخلاف واقع
 ۶. خودداری از تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی طی سه سال متوالی
 ۷. استفاده از کارت بازرگانی دیگران برای فرار از مالیات
- ماده ۲۷۴ قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم

در تبصره یک این ماده، تصریح شده که اجرای این مجازات‌ها مانع از اعمال محرومیت‌هایی که در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۸/۷/۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام) پیش‌بینی شده نیست.

در قوانین ایران، شروع به ارتکاب جرم فرار مالیاتی هنوز جرم‌انگاری نشده است. این موضوع باعث می‌شود که نظام عدالت کیفری تنها در صورت تحقق کامل جرم بتواند وارد عمل شود، در حالی که مراحل مقدماتی جرم که نشان از قصد مجرمانه دارند، بی‌پاسخ باقی می‌مانند. این امر می‌تواند خللی در کارآمدی سیاست‌های کیفری در مبارزه با فرار مالیاتی ایجاد کند. لذا توصیه می‌شود قانونگذار، اقدام به جرم‌انگاری شروع به این جرم نیز نماید.

در رابطه با تبانی برای ارتکاب جرم فرار مالیاتی نیز باید گفت که به‌طور خاص و مستقل در قوانین ایران جرم‌انگاری نشده، ولی طبق ماده ۶۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، هرگاه دو یا چند نفر برای اقدام علیه جان، مال یا عرض مردم اجتماع و تبانی کنند و مقدمات اجرای آن را فراهم آورند، اما بدون اراده خود موفق به انجام آن نشوند، به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. با توجه به اینکه مالیات از منابع درآمدی عمومی جهت رفاه و توسعه کشور محسوب می‌شود، می‌توان فرار مالیاتی را نیز ذیل این ماده در دسته اقدامات علیه اموال مردم قرار داد، مشروط بر اینکه مقدمات اجرایی جرم فراهم شده باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۵۸۸).

عنصر قانونی این جرم در مواد ۲۷۴ تا ۲۷۹ قانون اصلاحی مالیات‌های مستقیم، به‌ویژه ماده ۲۷۴، تبیین شده و این مواد، هم مصادیق مادی و هم ضمانت اجرای کیفری را مشخص می‌کنند (موضوع ماده ۴۲ لایحه تحول نظام مالیاتی).

عنصر مادی

عنصر مادی در جرم فرار مالیاتی، همان بروز عینی و فیزیکی رفتار مجرمانه است. مطابق با ماده ۲۷۴ قانون اصلاحی مالیات‌های مستقیم، این عنصر می‌تواند هم به شکل عمل مثبت و هم به صورت ترک فعل تجلی یابد. برای مثال، اقداماتی مانند تنظیم دفاتر و اسناد خلاف واقع (بند ۱)، استفاده از کارت بازرگانی دیگران (بند ۷)، یا تنظیم قراردادهای نام اشخاص دیگر (بند ۵) از مصادیق افعال مجرمانه هستند؛ در حالی که مواردی چون ممانعت از دسترسی مأموران مالیاتی (بند ۳) و امتناع از انجام تکالیف قانونی (بندهای ۴ و ۶) مصداق ترک فعل می‌باشند.

برخی مصادیق عنصر مادی این جرم عبارتند از: تنظیم مدارک جعلی، پنهان کردن درآمد، عدم ارائه اظهارنامه در موارد الزامی، و انعقاد قراردادهای صوری با هدف فرار از پرداخت مالیات. تمامی این رفتارها در ماده ۲۷۴ به طور صریح ذکر شده‌اند.

عنصر معنوی (روانی)

صرف انجام یک عمل مجرمانه برای تحقق جرم کافی نیست، بلکه باید قصد و اراده مجرمانه نیز در میان باشد. به بیان دیگر، میان رفتار فیزیکی و وضعیت ذهنی مرتکب باید رابطه وجود داشته باشد تا بتوان او را مستحق مجازات دانست. عنصر روانی زمانی تحقق می‌یابد که فاعل عمل، آگاهانه و با سوءنیت یا دست‌کم با قبول احتمال نتیجه زیان‌بار آن اقدام نماید (فرخیان و چاله‌چاله، ۱۳۹۸). هرچند در ماده ۲۷۴ قانون اصلاحی، اشاره‌ای صریح به عمدی بودن جرم فرار مالیاتی نشده است، اما تحلیل حقوقی این ماده نشان می‌دهد که ماهیت این جرم عمدی است. در این‌گونه جرایم، سوءنیت عام کافی است و نیاز به سوءنیت خاص نیست. به همین دلیل، اگر متهم بتواند عدم وجود عنصر روانی را ثابت کند، از مسئولیت کیفری معاف خواهد شد.

نقش اصلاحات اخیر در شفاف‌سازی فرایند مالیاتی

اصلاحات اخیر در قانون مالیات‌های مستقیم ایران با هدف افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی و بهبود کارایی نظام مالیاتی انجام شده‌اند. این اصلاحات نه تنها موجب تسهیل فرآیندهای مالیاتی برای مؤدیان شده‌اند، بلکه به ارتقاء عدالت مالیاتی نیز کمک کرده‌اند.

نقش سامانه مؤدیان و پایانه فروشگاهی

سامانه مؤدیان مالیاتی یک سامانه الکترونیکی است که در بسیاری از کشورها برای ثبت و پیگیری اطلاعات مالیاتی کسب و کارها و افراد استفاده می‌شود. این سامانه اهدافی متعدد دارد که شامل سهولت در ارائه اطلاعات مالیاتی، افزایش شفافیت و کاهش ظهور اقتصاد زیرزمینی و همچنین بهبود روند پیگیری و اجرای قوانین مالیاتی است. با استفاده از سامانه مؤدیان مالیاتی، کسب و کارها و افراد می‌توانند اقدامات مالی خود را ثبت کرده، اطلاعات مالیاتی خود را ارسال و پرداخت مالیات را انجام دهند (ایر، تابو و راکوت، ۲۰۱۴).

سامانه مؤدیان مالیاتی به منظور ارتقای انضباط مالیاتی و کاهش تقلبات مالیاتی توسعه داده شده است. از طریق این سامانه، اطلاعات مربوط به درآمدها، هزینه‌ها، مالیات‌های پرداختی و سایر اطلاعات مالی کسب و کارها به صورت الکترونیکی ثبت و پیگیری می‌شوند. این سامانه کمک می‌کند تا فرآیند تسویه حساب و پرداخت مالیات سریع‌تر و بهبود یابد و امکان بررسی و ارزیابی دقیق‌تر عملکرد مالیاتی کسب و کارها فراهم شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۷).

پایانه‌های فروشگاهی نقش مهمی در بهبود تجربه خرید مشتریان و افزایش کارایی فروشگاه‌ها دارند. این دستگاه‌ها به صورت الکترونیکی تراکنش‌های فروش را ثبت و پردازش می‌کنند، موجب سرعت بیشتر در خدمات پرداخت می‌شوند و دقت بیشتری در مدیریت موجودی و فروش دارند. همچنین، این پایانه‌ها به فروشگاه‌ها امکاناتی مانند پرداخت الکترونیکی، صدور رسیدهای الکترونیکی و تحلیل دقیق‌تر داده‌های فروش را فراهم می‌آورند (بیابانی و احمدیان، ۱۳۹۳).

در ایران نیز از گذشته، سیاست‌گذاران با تأکید بر ضرورت مالیات ستانی مبتنی بر اطلاعات شفاف و قابل استناد و بهره‌گیری از ابزارهای ثبت معاملات و سامانه‌های اطلاعاتی به دنبال جلوگیری از فرار مالیاتی و رفتار منصفانه با حذف تبعیض و تشخیص مالیات فعالان اقتصادی بر مبنای اطلاعات معتبر و قابل اعتماد مالی بوده‌اند. از این رو در دو دهه اخیر در قوانین، تعدادی مؤدیان مالیاتی ابتدا مکلف به استفاده از صندوق مکانیزه فروش شدند که مسیر این قوانین از اصلاحیه قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ شروع شد و وظیفه استقرار سامانه صندوق مکانیزه فروش نیز به اتاق اصناف واگذار گردید که پس از ناکامی نظام صنفی در اجرای این پروژه، وزارت بازرگانی وقت به موجب ماده ۱۲۱ قانون برنامه پنج ساله توسعه مکلف گردید با هماهنگی سازمان امور مالیاتی و شورای اصناف کشور تا پایان سال دوم برنامه سامانه صندوق مکانیزه فروش را پیاده‌سازی نماید که این امر نیز محقق نشد. پس از آن طی اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۹۴ و به موجب ماده ۱۶۹ آن قانون، سازمان امور مالیاتی مکلف به پیاده‌سازی سامانه صندوق مکانیزه فروش گردید و مؤدیان موظف شدند برای ثبت معاملات کالا و خدمات خود از سامانه صندوق فروش و تجهیزات مشابه استفاده کنند و برای انجام معاملات خود صورت‌حساب صادر و شماره اقتصادی خود و طرف معامله را در صورت‌حساب‌ها، قراردادهای و سایر اسناد مشابه درج و فهرست معاملات خود را به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه کنند.

(سازمان امور مالیاتی، ۲۰۱۷).

اما در مهرماه سال ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی با هدف ایجاد یک تحول بنیادی در نظام مالیاتی کشور در جهت نهادی‌سازی عدالت و شفافیت اقتصادی، کاهش اقتصاد سایه (بازار سیاه)، کاهش فرارهای مالیاتی و تأمین منابع اطلاعاتی قابل استناد برای نظام مالیاتی کشور به منظور محاسبه مالیات منصفانه و مبتنی بر رویدادهای مالی واقعی، قانونی تحت عنوان قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان را با ۲۹ ماده و ۸ تبصره تصویب و به دولت ابلاغ کرد. امروزه قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان به عنوان بستر اصلی اجرای بسیاری از قوانین مالیاتی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ که به موجب آن کلیه اشخاص مشمول این قانون مکلف به عضویت و ثبت‌نام در سامانه مؤدیان و صدور صورت‌حساب الکترونیکی برای فروش کالا و خدمات خود شده‌اند.

ثبت الکترونیکی معاملات و حساب‌های بانکی

مالیات بر نقل و انتقالات مالی، نوعی مالیات محسوب می‌شود که بر انواع مختلف ابزارهای مالی مانند سهام، اوراق بهادار، ابزارهای مشتقه و کارت‌های بانکی اعمال می‌گردد. اگرچه نرخ این نوع مالیات معمولاً پایین است، اما به دلیل گستردگی پایه مالیاتی، منبع قابل توجهی برای درآمد دولت‌ها به شمار می‌آید. در دو دهه اخیر، این مالیات به دلایل عمده‌ای در بیش از ۴۰ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته است؛ نخست، افزایش درآمدهای مالیاتی و دوم، ایجاد ثبات در بازارهای مالی (بیابانی و احمدیان، ۱۳۹۳). ایده اولیه مالیات بر نقل و انتقال سهام، نخستین بار توسط جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ مطرح شد. پس از وی، جیمز توبین، اقتصاددان برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۸، پیشنهاد داد که برای جلوگیری از بحران‌های مالی جهانی، بر انتقال‌های پولی بین‌المللی (تراکنش‌های بانکی) مالیات وضع شود.

در پژوهشی که توسط سوشما و اسریواستاوا^۱ (۲۰۱۴) انجام شد، نشان داده شد که اصلاح نظام مالیاتی در حوزه تراکنش‌های بانکی و اجرای مالیات با نرخ یکنواخت، می‌تواند به ساده‌سازی ساختار پیچیده مالیاتی، کاهش هزینه‌های مربوط به مالیات و بهبود عملکرد مالی افراد و شرکت‌ها منجر شود. عدم بهره‌برداری مؤثر از تراکنش‌های بانکی در نظام مالیاتی کشورها، از یک سو ناشی از غفلت نهادهای مالیاتی از این ظرفیت در سال‌های اخیر بوده و از سوی دیگر به مسائل حقوقی خاص هر کشور در زمینه دسترسی و افشای اطلاعات بانکی بازمی‌گردد؛ مسائلی که الگوبرداری از نظام‌های دیگر را با دشواری مواجه می‌سازد (نرودوا^۲، ۲۰۱۳). در واقع، بررسی تراکنش‌های بانکی در راستای مقابله با پول‌شویی، صحت‌سنجی اسناد مالی مؤدیان، شناسایی و پیشگیری از جرایم مالیاتی و همچنین در فرآیند حسابرسی مبتنی بر ریسک، نقشی غیرقابل انکار دارد (فرخیان و چاله‌چاله، ۱۳۹۸).

مالیات بر تراکنش بانکی در ایران

در حال حاضر در ایران تنها بر نقل و انتقال سهام مالیات وضع می‌شود. مطابق با ماده ۱۴۳ و تبصره یک قانون مالیات‌ها، از هرگونه نقل و انتقال سهام، سهم‌الشرکه و حق تقدم سهام در شرکت‌ها، مالیاتی مقطوع به میزان چهار درصد ارزش اسمی آن‌ها اخذ می‌شود. در این موارد، وجهی به عنوان مالیات بر درآمد نقل و انتقال مطالبه نمی‌گردد و انتقال‌دهندگان سهام مکلف‌اند پیش از

¹ Sushma, & Srivastav

² Nerudová

انتقال، مالیات مربوطه را به حساب سازمان امور مالیاتی واریز نمایند. در نتیجه، به صورت خاص، مالیاتی برای تراکنش‌های بانکی در نظر گرفته نشده است (بیابانی و احمدیان، ۱۳۹۳).

در نظام حقوقی ایران، افشای اطلاعات بانکی ابتدا محدود به نهادهایی مانند محاکم قضایی (ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی) و دیوان محاسبات کشور (مواد ۲ و ۴۲ قانون دیوان محاسبات) بود (زنگباری، ۱۳۹۴). با این وجود، شفافیت و کنترل تراکنش‌های بانکی می‌تواند اثرات گسترده‌ای در حوزه‌هایی چون نظارت بر عملکرد بانک‌ها، نرخ سود، جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارایی‌هایی نظیر ارز، مسکن و خودرو، مقابله با قاچاق کالا، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیز افزایش کارایی در اخذ مالیات‌های مستقیم و تنظیمی داشته باشد. زیرا بیشتر فعالیت‌های اقتصادی بازتابی در تراکنش‌های بانکی دارند و از این طریق قابل رصد و پیگیری هستند. بنابراین، شفافیت در این حوزه می‌تواند بدون نیاز به تغییر قوانین، کارایی و ضمانت اجرایی آن‌ها را افزایش دهد (فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۳۹۰).

ایده اخذ مالیات از تراکنش‌های بانکی، نوآورانه نیست و کشورهای مختلف با بهره‌گیری از اطلاعات تراکنش‌های مالی، به بهبود نظام مالیاتی خود دست یافته‌اند (بیابانی و احمدیان، ۱۳۹۳). با این حال، هنگام بررسی کارایی مالیاتی، باید به آثار جانبی سیاست‌های مالیاتی توجه داشت، چرا که هرگونه تصمیم دولت برای افزایش درآمد مالیاتی می‌تواند پیامدهایی برای اقتصاد به همراه داشته باشد. بنابراین، ضروری است که طراحی مالیات‌ها به گونه‌ای باشد که کمترین اختلال را در سیستم اقتصادی ایجاد کند (جلالوند و شهیکی، ۱۳۹۲).

استفاده از فناوری اطلاعات در پیاده‌سازی نظام مالیاتی الکترونیک، نقش مهمی در افزایش رضایت مؤدیان و تحقق اصل سهولت در وصول مالیات دارد (خالق رخنه و همکاران، ۱۳۹۱). در این راستا، توجه به عدالت در نظام مالیاتی نیز حائز اهمیت است. مؤدیان در مواجهه با پیچیدگی قوانین و ناعادلانه بودن سازوکارهای مالیاتی، دچار کاهش انگیزه در تمکین مالیاتی خواهند شد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که فرآیند ابراز تا تشخیص و اخذ مالیات در ایران با ضعف‌های جدی همراه است که نیازمند بازنگری و اصلاحات ساختاری است (رستمی، ۱۳۹۵).

تحلیل کارآمدی ابزارهای قانونی جدید در کاهش فرار مالیاتی

بند اول: ضرورت به کارگیری ابزارهای قانونی نوین

در شرایطی که فرار مالیاتی یکی از چالش‌های جدی نظام مالیاتی ایران به شمار می‌رود، استفاده از ابزارهای قانونی جدید برای مقابله با این پدیده، ضرورتی انکارناپذیر است. محدود بودن پایه‌های مالیاتی، ضعف در فرایند تشخیص و وصول مالیات، و عدم شفافیت در تراکنش‌های مالی، موجب شده است که نظام مالیاتی کشور از ظرفیت‌های بالقوه خود بهره‌برداری کافی نکند (بیابانی و احمدیان، ۱۳۹۳). یکی از راهکارهای مؤثر، توسعه شفافیت در تراکنش‌های بانکی و به کارگیری فناوری اطلاعات جهت مکانیزه کردن فرآیندهای مالیاتی است که می‌تواند تمکین مؤدیان را افزایش داده و زمینه فرار مالیاتی را کاهش دهد (خالق رخنه و همکاران، ۱۳۹۱).

بند دوم: نقش تراکنش‌های بانکی در کاهش فرار مالیاتی

شفاف‌سازی و کنترل نظام‌مند تراکنش‌های بانکی، ابزار مهمی برای راستی‌آزمایی درآمدها و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها به شمار می‌آید. بسیاری از فرارهای مالیاتی ناشی از نبود سازوکاری برای ردیابی جریان‌های مالی است؛ در حالی که بخش اعظم تعاملات اقتصادی بازتاب مستقیم در حساب‌های بانکی دارد. بنابراین، دسترسی نهادهای مالیاتی به این اطلاعات می‌تواند منجر به کشف منابع پنهان درآمدی و پیشگیری از فرار مالیاتی شود (فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۳۹۰؛ فرخیان و چاله‌چاله، ۱۳۹۸). تجربه کشورهای مختلف نیز نشان داده که ابزارهایی چون مالیات بر تراکنش‌های بانکی توانسته‌اند درآمدهای مالیاتی را افزایش داده و از طریق تقویت شفافیت مالی، رفتارهای مالیاتی را اصلاح کنند (سوشما و اسریواستاوا، ۲۰۱۴).

بند سوم: چالش‌های حقوقی و ضرورت اصلاحات ساختاری

با وجود مزایای روشن ابزارهای نوین در کاهش فرار مالیاتی، موانع حقوقی همچون محدودیت در افشای اطلاعات بانکی، یکی از چالش‌های اساسی در ایران به شمار می‌آید (زنگباری، ۱۳۹۴). برای بهره‌گیری مؤثر از این ابزارها، نیاز به بازنگری قوانین و تقویت ضمانت‌های اجرایی وجود دارد. همچنین، پیچیدگی قوانین مالیاتی و ناعادلانه بودن سازوکارها، بر تمکین مؤدیان تأثیر منفی دارد (رستمی، ۱۳۹۵). لذا اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی و به‌ویژه ساده‌سازی فرایندها و اجرای اصول عدالت مالیاتی، مکملی اساسی برای اثربخشی ابزارهای قانونی جدید در کاهش فرار مالیاتی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که ابزارهای قانونی نوین، به‌ویژه بهره‌گیری از اطلاعات تراکنش‌های بانکی، نقشی کلیدی در کاهش فرار مالیاتی ایفا می‌کنند. بررسی تجربه کشورهای توسعه‌یافته حاکی از آن است که اتکا به داده‌های مالی نظام بانکی نه تنها موجب افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود، بلکه به شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، شناسایی منابع پنهان درآمدی و کاهش تقلب‌های مالیاتی نیز کمک می‌کند. در نظام مالیاتی ایران، با وجود پیش‌بینی برخی ابزارها همچون مالیات بر نقل و انتقال سهام، فقدان مقررات مشخص در زمینه مالیات بر تراکنش‌های بانکی موجب شده است بخش مهمی از ظرفیت‌های موجود در این حوزه مغفول بماند. از سوی دیگر، چالش‌هایی نظیر محدودیت‌های قانونی در دسترسی به اطلاعات بانکی و پیچیدگی‌های ساختاری نظام مالیاتی، اثربخشی این ابزارها را تحت تأثیر قرار داده است. بر این اساس، بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های نوین مالیاتی نیازمند اصلاحات ساختاری، به‌روزرسانی قوانین، رفع موانع حقوقی و توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در فرآیندهای مالیاتی است؛ امری که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت مالیاتی، ارتقای تمکین مؤدیان و کاهش معنادار فرار مالیاتی در کشور باشد.

پیشنهاد می‌شود که برای افزایش کارایی نظام مالیاتی و مقابله مؤثر با فرار مالیاتی، سه راهکار اساسی می‌تواند به‌صورت مکمل و هماهنگ اجرا شود. نخست، بازنگری در قوانین مرتبط با محرمانگی اطلاعات بانکی و تدوین سازوکارهای نظارتی دقیق، امکان دسترسی سازمان امور مالیاتی به اطلاعات تراکنش‌های مالی را با رعایت کامل حریم خصوصی فراهم می‌آورد. دوم، اجرای نظام مالیاتی مبتنی بر تراکنش‌های بانکی با نرخ پایین اما پایه مالیاتی گسترده، می‌تواند ابزاری مؤثر در کنترل جریان‌های مالی مشکوک و گسترش عدالت مالیاتی باشد. در نهایت، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و هوشمندسازی کامل فرایندهای مالیاتی از طریق ایجاد پرونده‌های مالیاتی الکترونیک و کاهش نقش دخالت انسانی، نه تنها به شفافیت و دقت در وصول مالیات کمک می‌کند،

بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی و تمکین مؤدیان نیز خواهد شد.

منابع

فارسی

۱. آقای، سهراب. (۱۳۷۹). فرار مالیاتی و راهکارهای مقابله با آن در ایران. تهران: نشر پژوهش‌های اقتصادی.
۲. طالب‌نیا، حمیدرضا. (۱۳۸۶). تحلیل عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی. تهران: انتشارات سازمان امور مالیاتی کشور.
۳. ابراهیمی کوه‌رودی، احمد. (۱۳۸۴). بررسی مالیات در دولت اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
۴. آقای، الهمحمد (۱۳۷۹)، «بهبود کمی مالیات در گرو خدمات‌رسانی»، پژوهش‌نامه اقتصادی، سال اول، پیش شماره، 128-105.
۵. بیابانی، جهانگیر، احمدیان، اعظم. (۱۳۹۳). بانکداری الکترونیک و مالیات بر نقل و انتقال پول: بررسی امکان اجرای آن در ایران. چهارمین همایش ملی بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت.
۶. پاکدامن، حسن و فغانی ماکرانی، خسرو و شهاب، محمدرضا، ۱۴۰۱، نقش تراکنش‌های بانکی در اثربخشی نظام مالیاتی و کاهش شکاف مالیات‌های ابرازی با تشخیصی و قطعی اشخاص حقوقی، <https://civilica.com/doc/1557135>.
۷. توکلی، محمدرضا. (۱۳۹۴). فرار مالیاتی و راهکارهای مقابله با آن. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. زهی، نقی، و محمدخانلی، شهرزاد. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی. همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
۸. توکلی، محمدرضا. (۱۳۹۴). فرار مالیاتی و راهکارهای مقابله با آن. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
۹. جعفری، مریم، حسین‌پور، معصومه، میرانی، احسان، و کاظمی، ام‌کلثوم. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان حقیقی (مطالعه موردی: شهرستان نور). حسابداری و شفافیت مالی، ۲ (۲)، تابستان، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. جلالوند، وحید، شهیکی، محمدنبی. (۱۳۹۲). بررسی و سنجش کارایی نظام مالیاتی ایران در برنامه‌های توسعه (رویکرد منطق فازی). دوره هفت، شماره بیست و چهارم.
۱۱. حسین‌پور، یاسر، خالقیان، بیتا، و طلوعی، حسن. (۱۴۰۲). تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۹ (۲)، ۶.
۱۲. حسینی، کامران. (۱۴۰۱). تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر توسعه اقتصادی. نشریه حقوق و مالیات.
۱۳. خاکی، علی‌رضا، و شیخ‌حسینی پیرکوهی، رحمت. (۲۰۲۲). بررسی عوامل مؤثر بر شکاف مالیاتی در مؤدیان بازرگان استان گیلان از دیدگاه مأموران مالیاتی. مدیریت توسعه و تحول، 13، 345-358.
۱۴. خالقی رخنه، زهرا، زاهد مهر، امین، عموری، مهدی. (۱۳۹۱). تبیین روش و برآورد پایه مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از

جدول داده - ستانده .پژوهشنامه مالیات، شماره شصت و سه.

۱۵. دانش شهرکی محمدرضا. رویکردهای مواجهه با جرم فرار مالیاتی در نظم کیفری کنونی: مطالعه موردی پدیده شرکت‌های کاغذی. پژوهشنامه مالیات. ۱۴۰۰؛ ۲۹ (۴۹): ۳۳-۶۰.
۱۶. رحمانی، علی، مالنظری، مهناز، اربابی، بهارزهر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات. دوره بیست، شماره بیست و پنجم.
۱۷. رستمی، جلال. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فرآیندهای مالیاتی سازمان امور مالیات بر وصول مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی. دوره دو، شماره چهارم.
۱۸. رضایی، محمد. (۱۴۰۰). نقش حقوق مالی در تنظیم بازار. فصلنامه حقوق مالی و اقتصادی.
۱۹. رهامی، محسن (۱۳۸۶). جرائم بدون بزه دیده، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۲۰. زنگباری، ناصر. (۱۳۹۴). (حقوق بانکی (جلد اول). تهران: انتشارات جنگل.
۲۱. شریفی، لیلا. (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی سیاست‌های مالیاتی. پژوهشنامه حقوق اقتصادی.
۲۲. طالبینا، قدرت الله، شیخ حسنی علی (۱۳۸۶)، « بررسی مقایسه‌های قانون مالیاتهای مستقیم با قانون پیشین در بخشهای مشاغل مستغلات و حقوق کارکنان»، حسابر، سال دهم، شماره ۳۶، 82-92.
۲۳. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد. (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
۲۴. عباسی، فرزاد. (۱۴۰۲). بررسی مسائل مالیاتی در ایران. مجله مطالعات حقوق مالیاتی.
۲۵. عمادی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی ترفندها و فرار مالیاتی در ایران. کنگره پیشگامان پیشرفت.
۲۶. غالمی، الهام، نظری، علیرضا. مقایسه تطبیقی تمکین مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای منتخب. مجله اقتصادی، ماهنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره اول.
۲۷. فرخیان، عبدالله، چاله‌چاله، عبدالله. (۱۳۹۸). کشف تراکنش‌های مشکوک به پولشویی بر اساس الگوی بافتاری حساب‌های بانکی. دانش حسابر، دوره نوزده، شماره هفتاد و چهارم.
۲۸. فصلنامه مجلس و پژوهش. (۱۳۹۰). (شماره شصت و سوم).
۲۹. قاسمی بنابری، حمیدرضا، گودرزی، انسبه و موسوی، زینب. (۱۴۰۲). واکاوی چالش‌ها و موانع پیاده سازی قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان مالیاتی و ارائه راهکارها. حکمرانی و توسعه. doi: 10.22111/jipaa.2024.435666.1156, 3 (4), 21-32.
۳۰. قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰، مجلس شورای اسلامی.
۳۱. کاظمی، سارا. (۱۴۰۰). بررسی حقوقی فرار مالیاتی و راهکارهای قانونی برای کاهش آن. مجله حقوقی ایران.
۳۲. کاظمی، محمود. (۱۴۰۰). چالش‌های حقوقی در نظام مالیاتی ایران. فصلنامه مطالعات حقوقی و اقتصادی.
۳۳. گلدوزیان، ایرج. (1384). حقوق جزای عمومی (چاپ دهم). تهران: نشر میزان.
۳۴. محمدی، سعید. (۱۴۰۲). ابعاد نوین در حقوق مالی. پژوهش‌های نوین حقوق مالی.
۳۵. مرکز تنظیم مقررات و نظام پایانه‌های فروشگاه و سامانه مودیان. (۱۴۰۱) معرفی نظام پایانه‌های فروشگاه و سامانه مودیان

- و ظرفیت های قانونی، تهیه شده توسط مرکز آموزش، پژوهش و برنامه ریزی مالیاتی و دفتر روابط عمومی مالیاتی.
۳۶. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۴) *قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری* (چاپ ۱۹). تهران: دیدار.
۳۷. نعمتی، رحمت الله. (۱۳۹۸). رابطه بین حقوق و اقتصاد در سیاست گذاری مالیاتی. *مجله حقوق و اقتصاد*.
۳۸. نوربخش لنگردوی، محسن محمد و جواد نیک گو، محمدرضا ۱۳۹۲ بررسی موانع استقرار کامل نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران. پژوهشنامه مالیات، (۶) ۱۷، ۱۱۵-۱۳۸.
۳۹. ونکی، سعید. (۱۳۸۳). *فرار مالیاتی، مناطق ویژه اقتصادی* شماره ۲۶.

غیرفارسی

1. Richardson, G. (2006). Determinants of tax evasion: A cross country investigation. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15 (2), 150- 169.
2. Sookram, S. Watson, P. (2005). Tax evasion, growth and the hidden economy in Trinidad and Tobago. Institute of Social and Economic Studies, Working Paper 418, 1-18
3. Braithwaite, V., & Mazur, M. (2003). Tax compliance research: Findings, problems and prospects. Australian National University.
4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (n.d.). Compliance Risk Management: Managing and improving tax compliance. OECD Publishing. <https://www.oecd.org>
5. Sushma, & Srivastava, R. (2014). Tax reform and its impact on banking transactions: A study on simplified tax systems. *Journal of Economic Policy and Research*, 9 (1), 45-58.
6. Nerudová, D. (2013). Taxation of the financial sector: Possibilities, effects, and implementation challenges. *Prague Economic Papers*, 22 (2), 131-147. <https://doi.org/10.18267/j.pep.445>